

قانون شوراها :

هجوم مجدد سرمایه داران به حقوق کارگران

کرد، تحمّن کارگران را به گلوله بست و در عین حال نظریه پردازان رژیم نیز همواره سعی کردند علاوه بر تحریف مضمون و محتوای مبارزات کارگران بر علیه رژیم شاه، شوراها را نیز از محتوای واقعی اشان خالی کنند. اینکار را نیز به طرق مختلف انجام دادند. از طرفی سعی در ازم پاشیدن شوراها یی کردند که از منافع کارگران در مقابل سرمایه داری و دولت دفاع میکردند و اینکار را از طریق حمله، ضرب و جرح و دستگیری نمایندگان شورا انجام دادند، و از طرف دیگر از جنبه نظری سعی در القاء این تصور کردند که شوراها فقط بمنظور مشورت هستند و حق تصمیم گیری و دخالت در امور را ندارند و در این راه آیهی " و شاورهم فی الامر" نیز بخوبی بکار گرفته شد.

حال آنکه همانگونه که گفته شد شوراها ی کارگری، سربازی، دهقانی، محلهای و غیره ابزار اداره ی امور مردم توسط خود مردم و ابزار حکومت زحمتکشان هستند. و این مردم چه خوب ثابت کردند که قادر به اینکار هستند. از چند ماه قبل از قیام که شوراها عملاً اداره ی امور را شروع کردند این حقیقت بخوبی نمایان شد. ولی بعد از قیام و روی کار آمدن رژیم جدید، که نماینده ی بخشی از سرمایه دارانی بود که در زمان رژیم شاه در قدرت دولتی دخالت نداشتند و فقط باین خاطر (و نه برای دفاع از منافع زحمتکشان) با شاه مخالف بودند و هدفی نیز جز شرکت در حکومت و اعمال قدرت خود نداشتند، حمله باین ارگانهای زحمتکشان نیز آغاز شد. علت این امر نیز بسیار روشن است. در جامعه ی سرمایه داری، مردم، علیرغم شعارهای فریبنده ای که سرمایه داران دال بر شرکت مردم در امور خود میدهند، حق دخالت در اداره ی امور خود را ندارند. در جامعه ی سرمایه داری این زحمتکشان نیستند که حق کنترل بر زندگی خود، حق کنترل تولید و توزیع را دارند، بلکه اقلیت قلیل سرمایه داران هستند که خود را قیم مردم قلمداد کرده و با قدرت سرمایه ی خود و سلاح محافظین سرمایه یعنی ارتش و پلیس منافع خود را تامین میکنند. بنابراین طبیعی است که وجود شوراها ی زحمتکشان که قصد اداره ی امور مربوط بخود را داشته و از منافع خود دفاع کنند در تناقض با سرمایه داری قرار گیرد.

بدلیل فوق بعد از حمله های فراوان که به شوراها ی کارگری و سربازی و کارمندی شد و بعد از دستگیریهای متعدد نمایندگان شوراها یی که حاضر به تسلیم در مقابل سرمایه داران نبودند، دولت سرمایه داران برای اینکه آسانتر

متن کامل قانون شوراها مصوبه ی شورای انقلاب در روزنامه ی انقلاب اسلامی اول مرداد انتشار یافت. این قانون نمایانگر تداوم حمله ی رژیم حاکم به دستاوردهای جنبش توده ای مردم در طول انقلاب که به قیام ۲۲ بهمن منجر شد، می باشد. ولی قبل از اینکه بطور مشخص به نکاتی از این قانون بپردازیم، بهتر است نگاهی به گذشته نه چندان دور بیفکنیم و نمایی از شوراها و علت بوجود آمدن آنها بدست دهیم و بعد علت وجودی این قانون و محتوای ضد انقلابی - بورژوازی آنرا بررسی کنیم.

تجربیات انقلابیهای مختلف در کشورهای گوناگون بیانگر این واقعیت است که هر گاه توده ها در تداوم حرکت انقلابی خود قدم در راه فتح قدرت سیاسی برداشته اند، در ارگانها یی که میباید قدرت سیاسی توده های را اعمال کنند، یعنی شوراها، متشکل شده اند. این واقعیت را میتوان در انقلابات ۱۹۰۵ و ۱۹۱۷ شوروی، انقلاب آلمان و غیره مشاهده کرد. و البته همینجا نیز باید اضافه کرد که هر گاه نیروی بورژوازی موفق به نجات خود از ضربات شکننده و سهمگین توده ها شده و قدرت را مجدداً بدست گرفته حمله به شوراها نیز آغاز کرده است. و باز اینرا میتوان در ۱۹۰۵ و سوریه ق ۱۹۱۷ و انقلاب آلمان مشاهده کرد.

تجربه ی انقلاب ما نیز نشان میدهد که بدنبال یک رشته تظاهرات خیابانی و مبارزات گوناگون شوراها ی کارکنان و کارگران در ادارات و کارخانه های مختلف بوجود آمد که امور واحد خود را کنترل و اداره میکردند و از این طریق مردم بواقع قدرت را در پایه، و نه در سطح دولتی، در دست گرفته بودند. از آنزمان به بعد بود که موج اعتمادبات و ایستادگی کارگران در مقابل سرمایه داران و دولت آنها اوج گرفت و تا مدتها بعد از قیام نیز گزارشهای زیادی مبنی بر تصرف کارخانه ها و اخراج ماحیان آنها، داده میشد. لیکن علل مختلف از جمله توهم توده ها نسبت به حکام جدید که به لطف جنبش توده ای قدرت دولتی را ماحب شده بودند، فقدان نسبی آگاهی طبقاتی، ضعف عمومی چپ در زمینه ی تئوریک و تشکیلاتی و سازماندهی مبارزات کارگران و غیره، از طرفی موجب فروکشی آن موج عظیم انقلابی و از طرف دیگر قدرت گیری مجدد سرمایه داری و بالتبع آغاز حمله به شوراها و طبقه ی کارگر در مجموع شد. رژیم حاکم که با تکیه بر اعتمادبات عظیم و پر شکوه شرکت نفت و سایر بخشهای کارگری بر سرکار آمده بود، از همان ابتدا به کارگران حمله برد، خانه ی کارگر را اشغال

مبارزه با امپریالیسم جدا از مبارزه با سرمایه داری نیست

و راحترو با عذر "موجه" بتواند به شوراها حمله کرده و آنها را منحل کند، قانونی تصویب کرده است تحت عنوان "قانون شوراها" که بر ۲ اصل قانون اساسی مربوط به شوراها پایه‌گذاری شده است. ما ابتدا این دو اصل را بررسی کوتاهی کرده و بعد به مواد مندرج در این قانون میپردازیم اصل ۱۰۴ قانون اساسی میگوید:

"بمنظورتا مین قسط اسلامی و همکاری در تهیهی برنامه‌ها و ایجاد هماهنگی در پیشرفت امور در واحدهای تولیدی و صنعتی و کشاورزی، شوراها یی مرکب از نمایندگان کارگران و دهقانان و دیگر کارکنان و مدیران و در واحدهای آموزشی اداری و خدماتی و مانند اینها شوراها یی مرکب از نمایندگان اعضاء این واحدها تشکیل میشود، چگونگی تشکیل این شوراها و حدود وظایف و اختیارات آنها را قانون معین میکند."

و اصل ۱۰۵ تصریح میکند:

"تصمیمات شوراها نباید مخالف موازین اسلامی و قوانین کشور باشد."

اولین نکته‌ی مبهم در این دو اصل از "قانون اساسی" مسئله قسط اسلامی است. یعنی با توجه به تفسیرات مختلفی که از اسلام و قسط اسلامی میشود و روشن نبودن مفهوم قسط اسلامی، این ماده عملاً به شعاری بی محتوا تبدیل شده است. البته سردمداران حکومتی هم عملاً مفهوم آنرا روشن نمیکند تا بتوانند هر طور که مایلند آنرا تفسیر کنند. با توجه به عملکرد آنها در ۱۸ ماه گذشته واضحست که آنها مدافع منافع سرمایه‌داری هستند و بنابراین درک خود را از عبارت قسط اسلامی در عمل نشان داده‌اند.

مسئله بعدی اینست که این اصول شوراها را تشکیلاتی میدانند که "مرکب از نمایندگان کارگران... و مدیران" خواهند بود.

بنابراین، این اصل از قانون اساسی جمهوری اسلامی بوضوح بیان میکند که رژیم می‌خواهد شوراها یی مرکب از نمایندگان کارگران و مدیران بوجود آورد. حال چنین شورایی که که هم کارگران را در بر بگیرد و هم مدیران را، که نماینده‌ی دولت سرمایه‌داری هستند، چگونه خواهد توانست از منافع کارگران دفاع نماید؟

تهیه کنندگان قانون اساسی با گنجاندن این اصل در قانون قصد دارند و انمود کنند که منافع کارگران و سرمایه‌داران مشترک است و باین منظور نیز همه آنها باید در شوراها شرکت کنند. حال آنکه چنین نیست. کارگران و سرمایه‌داران دو طبقه‌ی متضاد هستند که هر یک منافع و اهداف خویش را تعقیب میکنند. و کارگران دقیقاً بخاطر دفاع از منافع خود نباید نمایندگان سرمایه‌داران را در درون تشکیلات خود راه بدهند.

بهر حال بعد از "محکم کاریها" بی که سرمایه‌داران در اصل ۱۰۴ بخاطر تضعیف شوراها و تفسیر کامل نقش آنها انجام داده‌اند، برای جلوگیری از هر گونه شبهه و برای اینکه هرگاه در تنگنه قرار گرفتند از طریق قانون قادر به نجات خود باشند، اصل ۱۰۵ را نیز اضافه کرده‌اند.

"تصمیمات شوراها نباید مخالف موازین اسلامی و قوانین کشور باشد." حال این "موازین اسلامی" و "قوانین کشور" چیست که دولت سرمایه‌داری اینگونه وحشت از تصمیم مخالف آن دارد. بهر واضح است که این موازین و قوانین در جهت منافع کارگران نیستند. زیرا در اینصورت نیز به اینگونه محدود کردن شوراها یی کارگری نبود. مگر شوراها یی کارگری واقعی بر علیه منافع کارگران تصمیم میگیرند؟ پس روشن است که موازین و قوانین یاد شده اصل ۱۰۵ مدافع منافع سرمایه‌داری هستند و بهمین خاطر است که رژیم جمهوری اسلامی ترس از تصمیمات مخالف شوراها یی کارگری دارد.

و اما قانونی که بر اساس دو اصل فوق پایه‌گذاری شده یعنی "قانون شوراها" چگونه قانونیست؟ مادر زیر سعی بررسی برخی از اصول این قانون خواهیم کرد.

در ماده ۲ چنین بیان شده است:

ماده ۲ - مجمع کارکنان:

مجمع کارکنان از کلیه کارکنان شاغل هر واحد در سطوح مختلف از کارگرساده تا مدیر تشکیل میشود. حال چراماده ۲ مثل اصل ۱۰۴ قانون اساسی سعی در یک گامه کردن "کارگر ساده" و مدیر دارد بدلیل زیراست:

"ماده ۳ - وظایف مجمع کارکنان:

الف - انتخاب اعضاء اصلی و علی البدل شورای اسلامی کارکنان.

ب - تصویب اساسنامه.

ج - رسیدگی و اظهار نظر نسبت به گزارشات شورا اسلامی کارکنان"

باینترتیب روشن میشود که اولاً این قانون سعی دارد تمام کارکنان را (کارگر، کارمند، مدیر...) در تصمیمات آن واحد شرکت دهد و در مواقع "مقتضی" که منافع سرمایه‌داری بخطر می افتد بوسیله مدیران سعی در تفرقه افکنی کند

ولی اگر با وجود این مدیر قادر به یافتن تعداد کافی افراد سازشکار در آن واحد نبود، آنوقت اصل ۱۰۵ به قانون اساسی کمک خواهد آمد و شورا از گرفتن تصمیمات "مخالف موازین اسلامی و قوانین کشور" منع خواهد شد.

ماده ۴ قانون شوراها تصریح میکند: "شورای اسلامی کارکنان از بین کلیه کارکنان واحد اعم از کارگر ساده تا مدیر انتخاب و بمنظور قسط اسلامی و همکاری در تهیه برنامه‌ها و ایجاد هماهنگی در پیشرفت امور، رشد و پرورش استعدادها و بالا بردن سطح آگاهی کارکنان و ایجاد روحیه مسئولیت همگاری و همبستگی بین کلیه کارکنان و ایجاد خودکفایی اقتصادی و صنعتی و تحکیم مبانی جمهوری اسلامی فعالیت میکند."

مطابق ماده بالا مدیران علاوه بر شرکت در مجمع کارکنان میتوانند به عضویت شورا نیز انتخاب شوند و در قسمت بعدی توضیح داده میشود که بعد از شرکت مدیران و کارگران ساده در "شورا" (که باین ترتیب تبدیل به تشکیلات سازش طبقاتی بین کارگران و مدیران میگردد)، این شورا سعی در ایجاد

هماهنگی در پیشرفت امور ... همکاری و همبستگی بین کلیه کارکنان ... و تحکیم مبانی جمهوری اسلامی " خواهد کرد .
یعنی کارگران باید برای پیشرفت هرچه بیشتر امور نظام سرمایه‌داری ، یعنی نظامی که خود آنها را شدیداً استثمار میکند ، بکوشند . یعنی کارگران با دشمنان طبقاتی خود یعنی سرمایه‌داران " همکاری و همبستگی " داشته باشند . و اینها بدین معناست که کارگران برای تحکیم مبانی جمهوری اسلامی ، یعنی تحکیم پایه‌های استثمار خود ، کوشش کنند . در این ماده ، مزورانه از "بالا بردن سطح آگاهی کارکنان" سخن می‌رود . این چگونه آگاهیست که منجر به شرکت کارگران در استثمار خودشان بشود؟ و از آنجاییکه چنین چیزی امکان پذیر نیست ، بنابراین باید گفت منظوراً "بالا بردن آگاهی" نه آگاهی واقعی ، بلکه تحمیل کارگران است ، زیرا اگر آگاهی کارگران بالا برود نه با مدیران همبستگی خواهند داشت و نه برای تحکیم مبانی دولت سرمایه‌داری خواهند کوشید .

ماده ۵ تحت عنوان وظایف و مسئولیت شورای اسلامی کار -
کنان ، نیز برای ایجاد روحیه همکاری و همبستگی بین کارکنان و مدیران هرواحد تاکید میکند و این خود نشان دهنده تلاشی است که برای از بین بردن روحیه مبارزاتی کارگزاران و مقاومت آنها در مقابل سرمایه‌داران میشود .

سپس بند (ج) از ماده ۵ چنین مینویسد : " نظارت بر امور واحد بمنظور آگاهی از امور جاری و انجام صحیح کار و ارائه پیشنهادهای سازنده " . در اینجا ممکن است این تصور بوجود آید که رژیم میل دارد شوراها بر امور نظارت کنند (از کنترل بر امور که اصلاً صحبت نباید کرد) . ولی تبصره بند (ج) موضوع را روشن میکند : " نحوه نظارت نباید طوری باشد که مانع گردش طبیعی کار گردد . " و طبیعی است که در نظام سرمایه‌داری این کار فرما و مدیر است که گردش طبیعی کار را تعیین میکند و در حقیقت بند (ج) همان انتظاری را از کارگران دارد که هر سرمایه‌داری دارد ، یعنی اینکه کارگران کارشان را بخوبی و "صحیح" انجام دهند تا جیب کارفرما پر شود ، فقط در اینجا کلمه توهم انگیز "نظارت" نیز اضافه شده است .

بند (ه) از همین ماده مینویسد : " کوشش برای بالا بردن سطح تولید و دستیابی سریعتر به استقلال واقعی اقتصادی و تحقق خودکفایی "

این بند دیگر واقعاً شوخی است . مطابق این بند یکی از وظایف شورا " کوشش برای بالا بردن سطح تولید " است . کیست که نداند بالا بردن سطح تولید ، بمعنی تولید سود بیشتر برای کارفرماست . حال آنکه این مورد مزد کارگزاران شایسته ندارد . بدست آوردن "استقلال واقعی اقتصادی و تحقق خود کفایی" نیز در شرایط کنونی جهان ، یعنی شرایطی که سرمایه‌داری در سطح جهانی عمل میکند ، یعنی شرایطی که منافع سرمایه‌داران آمریکایی با منافع سرمایه‌داران اروپایی و با منافع سرمایه‌داران ایرانی و غیره گره خورده و یکسان عمل میکند ، برای هیچ کشور سرمایه‌داری ممکن نیست . زمانی میتوان در جهت استقلال اقتصادی گام برداشت که روابط تولیدی سرمایه‌داری در ایران رو به نابودی باشد

این فقط با انجام یک انقلاب سوسیالیستی در ایران و به قدرت رسیدن طبقه کارگر ممکنست . فقط در این صورت است که جامعه ما قادر به قدم برداشتن در راه استقلال از نظام جهانی سرمایه‌داری خواهد بود .

بند (و) در ماده ۵ مینویسد :
" حفظ حقوق کارکنان که بر طبق قانون تعیین شده است "

باز در اینجا بنظر میرسد که تهیه کنندگان قانون بنحوی که کارکنان دلسوزی کرده‌اند و بالاخره وظیفه "حفظ حقوق کارکنان" را نیز برای شورا قائل شده‌اند . ولی اگر به قسمت دوم همین بند توجه شود ، ملاحظه خواهد شد که مقصود آنها از "حقوق کارکنان" آن حقوقی است که " بر طبق قانون تعیین شده است . "

این بدین معنی است که شورا میباید تنها مدافع حقوق واقعی کارکنان ، بلکه باید مدافع آن حقوقی باشد که دولت سرمایه‌داران برای کارکنان تعیین کرده است مثلاً اگر دولت تصمیم بگیرد مزد سود ویژه را لغو کند (همچنان که کرده است) شورا نیز باید از این تصمیم دولت دفاع کند و یا اگر دولت تصمیم بگیرد مزد کارگران را پایین ببرد ، شورا نیز باید از آن دفاع کند . بطور خلاصه همانطور که گفتیم شورا باید مدافع حقوقی باشد که دولت سرمایه‌داران برای کارکنان در نظر میگیرد و در حقیقت بصورت پاسدار منافع سرمایه‌داران در مقابل کارکنان عمل کنند .

ماده ۷ یکبار دیگر بر انتخاب همه "اعم از کارکنان ساده و مدیریت در شورا" تاکید میکند تا مبادا کسی این مسئله را که مقصود دولت از شورا ایجاد امکان سازش طبقاتی است فراموش کند .

مطابق ماده ۷ ، انتخاب شوندگان علاوه بر شروط سنی و تابعیت ایران و داشتن سواد و غیره باید "مومن به انقلاب اسلامی و مبانی جمهوری اسلامی ایران" نیز باشند . طبیعی است که گنجانیدن این بند هیچ علتی ندارد جز اینکه از ورود کمونیستها به شورا جلوگیری کند . این نیز نمایانگر ترس روزافزون رژیم جمهوری اسلامی از کمونیستها یعنی پیگیرترین دشمنان سرمایه‌داری است . بنابراین از آنجایی که کمونیستها با مبانی هر نظام سرمایه‌داری دشمن هستند ، رژیم بخیال خود با تعیین این شرط سعی در جلوگیری از ورود آنها به شورا و تبدیل آن به تشکیلات مخالف نظام سرمایه‌داری دارد . غافل از اینکه اینگونه موانع نمیتواند از تماس کمونیستها با توده کارگران جلوگیری کند و آنها اگر در شرایط مشخص ضروری تشخیص دهند در تشکیلات کارگری مختلف بدون توجه به ظاهر آن تشکیلات نفوذ خواهند کرد .

ماده ۹ تحت عنوان وظایف نماینده‌ی شورا در مدیریت مینویسد :

۱- جلب همکاری کارکنان و مدیریت در تحقق اهداف مندرج در ماده ۲

۲- جلب همکاری کارکنان در جهت اجرای صحیح تصمیمات متخذه در مدیریت

بنابراین مقصود از وجود نماینده‌ی شورا در هیئت مدیره

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا

مرقا بمنظور "جلب همکاری کارکنان و مدیریت" که قبلا بدان اشاره کردیم و ایجاد امکانات و تسهیل در اجرای صحیح تصمیمات مدیریت است. طبق این ماده شورا فقط تبدیلی به ابزاری در دست مدیریت میگردد که از خود اختیاری ندارد و باید تصمیمات مدیریت را مو بمو و بدرستی اجرا کند.

ماده ۱۰ قانون، یک "هیئت نظارت بر امور شوراها" پیش بینی کرده است که باید "حسن روابط شورا و مدیریت و تحکیم وحدت میان آنان و همچنین داوری میان شورا و مدیریت" را در برنامه کار خود قرار دهد.

تهیه کنندگان قانون به عناوین مختلف سعی در ایجاد وحدت و همبستگی بین کارگران و مدیریت دارند و از طریق مواد قانونی و بعد ایجاد ابزاری برای تحمیل چنین وحدت نامقدسی تلاش میکنند. طبق ماده ۱۱ "رای هیئت نظارت بر امور شوراها در چهارچوب مواد این قانون قطعی و لازم الاجرا است" و اما این هیئت نظارت از چه کسانی تشکیل میشود؟ ماده ۱۲ پاسخ میدهد:

- "الف - دونفر از نمایندگان شوراها ی اسلامی واحدهای هر منطقه به انتخاب شورا های مزبور
 - ب - دونفر از مدیران واحدهای هر منطقه به انتخاب خود آنان
 - ج - یک نفر نماینده ی دولت به انتخاب وزارت کار و امور اجتماعی
- نیمه : ریاست هیئت ... برعهده ی نماینده ی دولت میباشد."

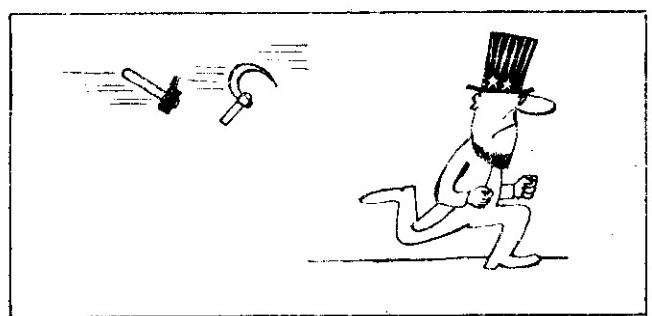
باز هم ماده های دیگر علیه کارگران. طبق ماده ی فوق حسی اگر دو نفر نمایندگان شوراها، نمایندگان واقعی کارگران و مدافع منافع آنان باشند، باز هم در هیئت نظارت در اقلیت خواهند ماند زیرا دو نفر از سه نفر دیگر از مدیران واحدها و یک نفر نماینده ی دولت و هر سه نمایندگان سرمایه داران هستند. تازه این در صورتی است که از تغلیبات و حیلدهای گوناگون سرمایه داران برای انتخاب سازشکاران و مرتجعین بعنوان نمایندگان شورا جلوگیری بعمل آید.

ماده ۱۴، "تشکیل شوراها در شرکتهای دولتی بزرگ از قسمل شرکتهای تابعی وزارت نفت، شرکت ملی فولاد ایران، شرکت ملی صنایع مس ایران و... را منوط به تصویب هیئت وزیران" میکند.

یعنی بعد از تمام قید و بندهای ارتجاعی که بر این شوراها حاکم است تازه تشکیل آنها در شرکتهای بزرگ منوط به تصویب هیئت وزیران است. در اینجا نیز رژیم جمهوری اسلامی از اینکه شوراها در واحدهای بزرگ که تعداد زیادی کارگر در استخدام دارند قابل کنترل نباشند و سازمان انقلابیون بتوانند در آنها نفوذ کنند، تشکیل آنها را مشروط کرده است. برای مثال قابل ذکر است که متن قانون شوراها در روزنامه ی انقلاب اسلامی مورخ یکم مرداد بجا پخته رسیده است و سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران نیز در همان تاریخ (یعنی بلافاصله بعد از ابلاغ قانون) بخشنامه ۹ با استناد به ماده ۱۴ صادر کرده که در آن متذکر شده است که "کلیدی شوراها از این تاریخ رسمیت نخواهند داشت." این

خود بخوبی اثبات میکند که این قانون صرفا برای حمله به شوراها ی کارگری مبارز تدوین شده است. مثال دیگر مورد "شورای هماهنگی و نظارت راه آهن جنوب" است که توسط رئیس کل راه آهن منحل شده است (جمهوری اسلامی ۱۹ مرداد) و در بخشنامه ای که علیزاده رئیس کل راه آهن صادر کرده "متابعت از شورای منحل" را "عملی ضد انقلابی محسوب" کرده است. باین ترتیب دولت حتی حق تشکیل شوراها و یا انحلال آنها را نیز از خود کارگران سلب کرده است.

همانطور که در ابتدای مقاله اشاره کردیم هرگاه طبقه ی سرمایه داران موفق به نجات خود از ضربات کارگران شده، حمله به شوراها ی کارگری را آغاز کرده است. بررسی "قانون شوراها" در فوق بخوبی بیانگر این نکته است که طبقه ی سرمایه دار ایران و دولتی که مدافع آنهاست این قانون را برای موجه جلوه دادن حمله به کارگران و از بین بردن تشکیلات مدافع منافع آنان تهیه کرده اند. البته این قانون مقدمه ای برای اینکار است. سرمایه داران تلاش دارند ابتدا با کمک این قانون تشکیلاتی در واحدهای مختلف بوجود آورند که ضمن اینکه بظاهر شبیه تشکیلاتی باشد که خود کارگران انقلابی در دوران انقلاب بوجود آورده اند، در عین حال کنترل کننده ی کارگران بوده و منافع سرمایه داران را تامین کنند. قدم بعدی آنها از بین بردن تمامی شوراها ی واقعی است که از قانون فوق تبعیت نکنند. باین ترتیب روشن است که کارگران انقلابی و آگاه زیر بار چنین قانونی نخواهند رفت و از شوراها یی که از منافع آنها دفاع کنند پشتیبانی کرده و عناصر سازشکار را که با کارفرما و مدیریت بر علیه کارگران همکاری کنند طرد خواهند نمود.



هفته نامه
رهائی
نشریه سازمان وحدت
کمونئیستی